



ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۷۸۵-۵۳۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام علی (ع)
سخن‌روز

هرگاه گناهان جلوه‌گر شوند، برکت‌ها رخت برمی بندند.

غیر الحکم، ۴۰۳۰

دوست داشتیم در تئاتر فرم و محتوا یکی باشد

یکی از پرزورترین آدم‌های خجالتی جهان و یکی از خجالتی‌ترین آدم‌های پروری جهان هستم. باید بگویم یکسری چیزها در نمایشنامه‌نویسی برام خیلی مهم بود: دوست داشتیم در تئاتر فرم و محتوا یکی باشد و این چنین بود که نمایشنامه «تق صبر» با یک متن ساده کم‌دی، به کمک فرم، ساختار مردسالاری را زیر سؤال می‌برد. به مرور از قصه و کلام فراری شدم. همیشه دوست داشتم در نمایشنامه‌هایم کلمات عادی و ساده را استفاده کنم. به عنوان مثال در نمایشنامه «تئاتر تئاتر» در متن حس خودم را درباره کلمه بیان کرده‌ام، چراکه از بیکی کلمات برایم آستره می‌شدند.

فرهاد آتیشی در مراسم رونمایی از مجموعه نمایشنامه‌هایش با عنوان «چمدان تئاتر»/ایران



بهرام شاه‌محمدلو در «اشباح»

رپرزوتار نمایشی «جان پنهان» کاوش روانکاوانه از سفر قهرمانی در آثار هنریک ایبسن» با پژوهش و هدایت سروناز نانکلی مجموعه‌ای از نمایشنامه‌خوانی‌ها و نشست‌های تحلیلی است که از یکشنبه ۲۰ مهر در سالن شیشه‌ای تماشاخانه هما آغاز شده و تاکنون در بخش اول و دوم خود، به نمایشنامه‌خوانی «مرغابی وحشی» و «خانه عروسک» اختصاص داشته است. این رپرزوتار با نگاهی درونی و روانکاوانه به بازخوانی آثار برجسته این نمایشنامه‌نویس برجسته نروژی می‌پردازد. بهرام شاه‌محمدلو، فرزانه نشاط‌خواه، احمد لیشینی، میثم ملکی‌پور و حنا صدق‌صدری خوانشگران این اجرا هستند. /ایران



الیکا عبدالرزاقی داور تئاتر شد

اعضای هیأت داوران بخش‌های آزاد و دیگرگونه‌های اجرایی، آیینی و سنتی، کودک و نوجوان، نیشتمان هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان معرفی شدند. حمیدرضا نعیمی، الیکا عبدالرزاقی و میثم زندی به عنوان اعضای اجرایی آیینی و سنتی، کودک و نوجوان، نیشتمان هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی میروان معرفی شدند. این رویداد با هدف گسترش تئاتر خیابانی، تبادل فرهنگی و تقویت جریان هنری مردمی به دبیری فاتح بادپورا، ۸ تا ۲۴ آبان در میروان برگزار می‌شود. /ایران



نگاه پل شریدر به آینده سینما

پل شریدر، فیلمنامه‌نویس سرشناس فیلم «راننده تاکسی»، از کار روی فیلمنامه‌های خبر داده که به گفته او می‌تواند اولین فیلم بلند ساخته شده به‌طور کامل با هوش مصنوعی باشد. پل شریدر، نویسنده و کارگردان ۷۹ ساله، در گفت‌وگویی با وبسایتی فرآز استفاده از هوش مصنوعی در ساخت فیلم دفاع کرده و پیش‌بینی می‌کند که تنها دو سال تا ساخت اولین فیلمی که به‌طور کامل با این فناوری ساخته می‌شود، فاصله داریم. شریدر در ماه‌های اخیر با نقدهای صریح خود از فیلم‌ها در فیس‌بوک خبرساز شده است. /ایسنا



با دستور رئیس جمهوری وصیت استاد فرشچیان بزودی محقق می‌شود

نقش و «نگار» ایرانی بر دیوارهای کوشک هنر

«همای نگارگری ایران» در کوشک هنر راه اندازی شد تا نمایشگاه دائمی آثار نفیس نگارگری ایرانی همراه با آثاری از استاد فرشچیان باشد



قرار نیست همه راه استاد فرشچیان را ادامه دهند این نمایشگاه هم به این منظور برپا نشده و آثار هنرمندانی را از صد سال گذشته نمایش گذاشت

نمایشگاه «همای نگارگری ایران» به پاس بزرگداشت استاد فقید محمود

این استاد نگارگری درباره‌ی چهره‌ی شخصیتی و آثار استاد فرشچیان اینطور توضیح داد: «در همه کلاس‌هایم این جمله را تکرار می‌کنم هنر معطوف به اراده هنرمند نیست، درست برخلاف دوره جدید که معتقدند هنر معطوف به اراده هنرمند است. به اعتقاد من خودی که هنرمند را به کار تشویق می‌کند در قلب وجود خودش است. در فرهنگ دینی، ما را طوری تربیت کردند که خداوند را همیشه در وجودمان احساس کنیم و دستورات را از آن منبع قدسی بگیریم. البته معرفت ما نسبت به حقیقت نسبی است و خودمان و آثار ما می‌تواند جلوه‌گاه حقیقت باشد، اگر استاد فرشچیان قرار دهند و کار استاد را تکرار کنند این نمایشگاه هم به این منظور برپا نشده و آثار هنرمندانی را از صد سال گذشته تاکنون به نمایش گذاشت. نگارگران در دوره جدید از نگارگران قدیم پیروی نمی‌کنند مگر اینکه شیوه‌ی استاد طوری باشد که شاگردانی را تربیت کند که مثل خودشان کار کنند که آن هم درست نیست.»

شوند. رجعی هنر نگارگری و سایر هنرهای سنتی را ۳۰ رسته دانست که کمتر در چرخه امروز زندگی و فرهنگ ما مؤثر هستند و افزود: «متأسفانه استادان نگارگری چون مفهوم نظام شاگرد استادی را به خوبی متوجه نشدند، شاگردانی تربیت می‌کنند که کار تکراری می‌کنند. نظر قدمای ما غلط است نگارگری مادر همه هنرهای سنتی به حساب می‌آید چون طراحی پایه همه هنرهای دیداری است.» او درباره‌ی نمایشگاه همای نگارگری و ادامه راه استاد فرشچیان توسط نگارگران گفت: «قرار نیست همه عیناً یا جای پای استاد فرشچیان قرار دهند و کار استاد را تکرار کنند این نمایشگاه هم به این منظور برپا نشده و آثار هنرمندانی را از صد سال گذشته تاکنون به نمایش گذاشت. نگارگران در دوره جدید از نگارگران قدیم پیروی نمی‌کنند مگر اینکه شیوه‌ی استاد طوری باشد که شاگردانی را تربیت کند که مثل خودشان کار کنند که آن هم درست نیست.»

قرار نیست نگارگران ادامه دهند فرشچیان باشند محمد علی رجعی استاد نگارگری و از شاگردان استاد فرشچیان درباره وضعیت آموزش نگارگری گفت: «در دوره جدید شرایط خاصی را در نظام آموزشی در همه زمینه‌ها می‌بینیم که مقتضای زمان خودمان است نمی‌توان آن را ایراد یا انحراف تلقی کرد. آموزش نگارگری در قدیم وضعیت ثابتی داشت و این هنر در صورتی که به درخواست استاد فرشچیان قبیل از فوت‌شان و نامه‌ای که به رئیس جمهوری دکتر پیشکین دادند و درخواست کردند که آثار به صورت دائم در موزه فرشچیان بماند. دغدغه استاد این بود که میراث بهتر از جاهای دیگر این آثار را نگهداری، حفاظت و مرمت می‌کند.» او افزود: «من از دستوری که رئیس جمهوری روی این نامه دادند اطلاعی ندارم چون به وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان برنامه و بودجه ارجاع داده شد تا فرآیندش طی شود.»

میر درباره بازگرداندن آثار استاد فرشچیان به موزه هنرهای معاصر هم اینطور توضیح داد: «این موضوع مربوط به زمان حال نیست، ۲۳ سال پیش این آثار را خود استاد فرشچیان از موزه هنرهای معاصر برای موزه فرشچیان امانت می‌گیرند که وزارت میراث و وزارت فرهنگ و ارشاد از همان سال، سال به سال امانت آثار را تمدید می‌کردند تا الان در زمان مدیریت دکتر صالحی امیری در وزارت میراث که با توجه به درخواست استاد فرشچیان قبیل از فوت‌شان و نامه‌ای که به رئیس جمهوری دکتر پیشکین دادند و درخواست کردند که آثار به صورت دائم در موزه فرشچیان بماند. دغدغه استاد این بود که میراث بهتر از جاهای دیگر این آثار را نگهداری، حفاظت و مرمت می‌کند.»

گفت: «۵ اثر از استاد فرشچیان از کاش موزه سعدآباد به نمایشگاه همای نگارگری ایران امانت داده شد، استاد ۱۵ اثر مهم‌شان را که حدس می‌زدند برای نمایشگاه‌ها برده می‌شود در قالب پوستر آماده کردند و این پوسترها چون جزو اموال میراث هستند فقط به جاهای معتبر برای نمایشگاه امانت داده می‌شود.» او درباره انتقاداتی که به نحوه نگهداری آثار در موزه فرشچیان وجود دارد اظهار کرد: «به هیچ وجه این صحبت‌ها درست نیست و آثار به شیوه درستی در موزه فرشچیان نگهداری می‌شود. آثار و مکان‌های تاریخی بر اساس پروتکل‌های میراثی نگهداری و مرمت می‌شوند. همچنین به دلیل قدمت تاریخی نیاز به مرمت دائم و نگهداری درست دارند، با توجه به اینکه سن بنای موزه فرشچیان به دوره قاجاری می‌رسد و این کار هر لحظه نیاز به مرمت دارد هر وقت نیاز و ضرورتی باشد مرمت گران میراث وارد کار شده و مشکل را حل می‌کنند.»

جدی به هنر داشته است در چهلمین روز درگذشت استاد فرشچیان با مشارکت مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر وزارت ارشاد و پژوهشگاه هنرهای سنتی موزه هنرهای معاصر بخشی از آثار گنجینه مربوط به استاد فرشچیان در نمایشگاه همای نگارگری ایران به نمایش درآمد. مدیر کوشک هنر تأکید کرد: «پژوهشگاه هنرهای سنتی برای اینکه طیف زیادی از آثار نگارگری در این نمایشگاه دیده شود فراخوانی داد که از بین کارهای رسیده به ۷۰ استاد انتخاب شد؛ این آثار همراه با ۹۰ اثر دیگر و مجموعاً تعداد ۱۶۰ اثر نگارگری در این نمایشگاه به نمایش درآمدند تا ندای کننده کل هنر نگارگری در طول دوران‌های مختلف تاریخی ایران باشند.»

نمایشگاه «همای نگارگری ایران» به پاس بزرگداشت استاد فقید محمود فرشچیان با حضور جمعی از برجسته‌ترین هنرمندان نگارگر کشور در کوشک هنر افتتاح شد. در حاشیه این نمایشگاه در آیینی ویژه از اساتید برجسته نگارگری از جمله دکتر محمد علی رجعی، استاد اردشیر تاکستانی و استاد منصور تاسم به پاس سال‌ها تلاش و خدمات ارزنده‌شان در هنر نگارگری تقدیر شد. میثم اخباری مدیر کوشک باغ هنر درباره چگونگی برپایی نمایشگاه همای نگارگری در پاسداشت استاد فرشچیان به «ایران» گفت: «با توجه به اینکه «کوشک باغ هنر» زون هنری منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد است و در این چند ساله توجه

گزارش

سعیده احسانی‌راد گروه فرهنگی

عکس‌ها: سجاد صفوری / ایران

درباره احمد احمدپور، کودک آرام «خانه دوست کجاست»

از قاب معصومیت تا غروب خاموشی

بسیاری از نابازیگران کودک، او را دوباره به همان جایی برگرداند که آمده بود: حاشیه. در جامعه‌ای که مسیر صعود طبقاتی از دل فرهنگ و هنر سخت و دشوار است، درخشش در کودکی بیش از آنکه آغاز راه باشد، به رویاهای ناپایدار می‌ماند؛ رویاهایی که زود به فراموشی می‌افتند.

یادداشت

محسن سلیمانی فاخر منتقد سینما



احمد احمدپور، همان محمدرضا نعمت‌زاده، همان کودک آرام و ساکت فیلم خانه دوست کجاست، از میان مارفت. خبر درگذشت او نه تنها مرگ یک انسان، که مرگ بخشی از خاطره جمعی یک نسل بود. نسلی که کودکی‌اش را در چهره معصوم او بازمی‌یافت؛ پسری که دفتر مشقش یک دوستی عمیق را روایت کرد. حالا انگار دفتر زندگی خودش بسته شد و ما در غروب همان روز آخر فیلم، دوباره تنها ماندیم با حسرت و ناتمامی.

رویهایی که از طبقه‌شان بیرون افتادند

سرنوشت برخی از کودکانی که وارد سینما می‌شوند، درخشان آغاز می‌شود اما زود خاموش می‌گردد. آنان با چشمانی پراز شگفتی، پا به جهانی می‌گذارند که به آن تعلق ندارند. سینما، دنیایی است از آرزوهایی که در تضاد با واقعیت طبقاتی و زیست‌رومزه آنان است. احمد احمدپور نیز از همان تبار بود؛ کودکی روستایی که بی‌هیچ تجربه‌ای در برابر دوربین ایستاد و برای لحظاتی کوتاه، به چهره‌ای جهانی بدل شد. اما زندگی، مثل

پیچیده و خشن مدرن او را آلوده کند.

از خانه دوست تا خانه فراموشی

فیلمی که در جهان درخشید، برای بازیگر کوچکش آغاز تنهایی بود. احمد احمدپور، مانند بسیاری از نابازیگران کودک سینمای ایران، نه آموزش دید، نه ندایم در کارش یافت، و نه حمایتی از سوی نهادهای فرهنگی. در سینمای ما، نابازیگرها فقط تا زمانی ارزش دارند که در قاب کارگردانان بزرگ باشند؛ بعد از آن فراموش می‌شوند. همان‌طور که در مستند «درخت زندگی» روایت می‌شود، این کودکان پس از فروکش کردن هیاهوی جشنواره‌ها، میان واقعیت سخت زندگی و خاطرات روشن گذشته گرفتار می‌شوند.

احمد احمدپور هم در همان دوگانگی زیست: میان رویای کبیرستی و واقعیت ده و روستا. او در فیلم، نگران مشق شب و دخترش بود در زندگی، شاید همیشه به دنبال خانه‌ای بود که «بوست» در آن باشد؛ خانه‌ای که این بار نه در توکر، که در دل خاطرات ما جا دارد.

احمد احمدپور با سکوکی کودکانه وارد سینما شد و با همان سکوت، از جهان رفت. اما در حافظه سینمای ایران، او همیشه همان پسر بچه معصوم خواهد ماند که در پیچ‌وخم کوچه‌های روستا، مشقت‌های زندگی و تحصیل را روایت می‌کرد، بی‌آنکه بداند خودش هم دارد دفتر ماری نویسد.

سرنجام این دو برادر را یافت. آن‌ها نه از فیلم چیزی می‌دانستند و نه از مفهوم بازیگری. بی‌واسطگی، صداقت و ناشایستی‌شان با دوربین، همان چیزی بود که کبیرستی می‌خواست. نگاه حیرت‌زده و صادق احمد، از او قهرمانی ساخت که تنها با چند جمله و سکوت، جهانی از معنا را منتقل کرد.

این دو کودک ساده و بی‌ادعا، در قاب سینما تبدیل به نمادی جهانی از «وفاداری»، «مسئولیت» و «انسانیت» شدند، بی‌آنکه خود بداندند سینما چیست.

مرگی که خاطره‌ها را دافن کرد

مرگ در جوانی همیشه تلخ است، اما وقتی کسی می‌میرد که کودکی ما را ساخته، غم سنگین‌تری می‌شود. احمد احمدپور همان محمدرضای فیلم نه فقط بازیگر یک فیلم، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی ما بود؛ یادآور دوران پاک، سادگی و ایمان به دوستی. با رفتن او، گویی آخرین برگ دفتر آن دوران نیز کنده شد. همان‌طور که در خانه دوست کجاست، برادرش، بابک، دفتر دوستش را تا انتهای روز به دوش می‌کشد و سرانجام با دلی غمگین بازمی‌گردد، اکنون ما نیز در پایان راه، با دفتری پر از حسرت ایستاده‌ایم.

دو نگاه، دو سرنوشت

در پوستر ماندگار فیلم «خانه دوست کجاست»، دو چهره معصوم در کنار هم جاودانه شده‌اند. بابک، با نگاهی رو به آسمان، گویی هنوز به آینده امید دارد؛ اما احمد، سر به زیر و آرام، به خاک و زمین واقعیت می‌نگرد. همین تفاوت نگاه، شاید نشانه‌ای از سرنوشت متفاوت بود؛ یکی هنوز در جست‌وجوی افق و دیگری آرام و در خود، بی‌آنکه صدایی بلند کند. نگاه او در آن تصویر، خلاصه‌ای از تمام چیزی است که کبیرستی در پی‌اش بود؛ صداقت بی‌پیرایه انسان ساده، پیش از آنکه جهان

